

خبرها



بخش فرهنگی – فیلم «روما» برنده شیر طلای بهترین فیلم جشنواره ونیز به کارگردانی «آلفنسو گوارون» به عنوان نماینده سینمای مکزیک در شاخه بهترین فیلم خارجی جوایز اسکار ۲۰۱۹ برگزیده شد. به گزارش ایسنا به نقل از اسکرین، این فیلم تحسین‌شده و سیاه‌وسفید که توزیع‌بین‌المللی آن بر عهده کمپانی نتفلیکس است، جندی پیش به عنوان یکی از فیلم‌های بخش رقابتی هفتادوپنجمین جشنواره فیلم ونیز به روی پرده رفت و در نهایت توانست جایزه شیر طلای بهترین فیلم این رویداد سینمایی را کسب کند.

این فیلم که ابتدا قرار بود در جشنواره کن امسال رونمایی شود به سبب اختلافات میان جشنواره کن و کمپانی نتفلیکس در نهایت در جشنواره ونیز برای نخستین بار به روی پرده رفت و پس از آن نیز در جشنواره تلوراید و تورنتو نیز نمایش داشت.

«گوارون» که ساخت فیلم معروف «هری پاتر و زندانی از کابان» و همچنین درام فضایی برنده اسکار «جاذبه» را در کارنامه سینمایی دارد عنوان کرده که فیلم جدیدش «روما» تا حد زیادی بر اساس زندگی‌نامه خودش نوشته شده است و درباره بزرگ‌شدن او در منطقه «روما» در حومه شهر مکزیکوسیتی است.

در مجموع تاکنون ۵۰ کشور نمایندگان خود را در شاخه بهترین فیلم خارجی نودویکمین دوره جوایز سینمایی اسکار معرفی کرده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به ایران (بدون تاریخ بدون امضاء)، شیلی (ناگهان سپیده دم)، جمهوری چک (زمستان پرواز می‌کند)، عراق (سفر)، یونان (پولیوکسنی)، مصر (بوم‌الدین)، روسیه (سویبور)، آلمان (هرگز روی برنگردان)، فلسطین (شکار ارواح)، سوئد (مرز)، ترکیه (درخت گلایلی وحشی)، بلژیک (دختر)، ژاپن (زدان فروشگاه)، بریتانیا (من یک جادوگر نیستم)، بلاروس (قوی بلورین)، استونی (یا بگیرش یا ولش کن)، رومانی (مهم نیست اگر به عنوان بربرها در تاریخ شناخته شویم)، اسلواکی (مترجم) و سوئیس (الدرداو) و ونزوئلا (خانواده)، اتریش (ولدیم والتز)، اکوادور (پسر انسان)، فنلاند (پوتنایزر)، کوزوو (ازدواج)، نروژ (مردم چی می‌کن)، سنگاپور (پسران بوفالو)، کرواسی (مامور هشتم)، لتونی (ایوارس سلسکیس)، کلمبیا (پرندگان عبوری)، اوکراین (دونباس)، قهرمانان (اسانیا) وپاراگوئه (وارشین) اشاره کرد.

سال گذشته ۹۲ کشور نمایندگان خود را برای شرکت در شاخه بهترین فیلم غیرانگلیسی جوایز اسکار معرفی کردند و رکورد تعداد معرفی فیلم در این بخش شکسته شد. آخرین مهلت ارسال و معرفی فیلم‌ها از سوی کشورهای مختلف برای رقابت در شاخه بهترین فیلم خارجی اسکار ۲۰۱۹ روز اول اکتبر ۲۰۱۹ (۹ مهرماه) اعلام شده است. همچنین بر اساس قوانین آکادمی اسکار تمامی فیلم‌های واجد شرایط برای رقابت در این شاخه باید بین تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۱۷ (۹ مهر ۱۳۹۶) تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۸ (۸ مهر ۹۷) حداقل به مدت ۷ روز در سینماهای کشور مبدا اکران شده باشند.

سینماهای کشور ۵ روز تعطیل است

بخش فرهنگی – سخنگوی شورای صنفی نمایش از تعطیلی سینماهای سراسر کشور به مدت پنج روز در ایام شهادت امام حسین (ع) خبر داد. سینماهای کشور از روز یکشنبه اول مهر میزبان مخاطبان خواهند بود. غلامرضا فرجی سخنگو شورای صنفی نمایش با اشاره به ایام سوگواری سرور و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) گفت: به نمایندگی از شورای صنفی نمایش ایام سوگواری سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران باوفایش را به حضرت ولی عصر (عج) و شیعیان آن حضرت و اهالی سینمایی کشور تسلیت می‌گویم. او با اشاره به برنامه تعطیلی سینماها در این ایام تأکید کرد: به همین مناسبت سینماهای سراسر کشور از روز سه شنبه ۲۷ شهریور ساعت ۱۷ تا شنبه ۳۱ شهریور که شهادت امام زین العابدین (ع) و آغاز هفته دفاع مقدس است، تعطیل و یکشنبه اول مهر ماه سینماهای سراسر کشور دایر است.

انتشار «دل رسوا» با آهنگسازی مجید درخشانی

بخش فرهنگی – آلبوم «دل رسوا» با آهنگسازی مجید درخشانی و صدای رحیم عدنانی، از سوی مؤسسه فرهنگی و هنری چکاوک زنده رود اسپادانا منتشر شد.

به گزارش ایلنا، بعد از همکاری مجید درخشانی و رحیم عدنانی در آلبوم «حریر شبنم»، این دو هنرمند هم‌اکنون آلبوم «دل رسوا» را به انتشار رسانده‌اند. این اثر در فضایی از موسیقی دستگاهی و در قالب ۹ قطعه با عناوین «تصنیف غروب آشتی»، «ساز و آواز ۱»، «تصنیف نقش و صورت»، «ساز و آواز ۲»، «چهار مضرب-سنتور و تنبک»، «ساز و آواز ۳»، «تصنیف دل رسوا»، «ساز و آواز ۴» و «تصنیف شاهد ساقی» به اجرا درآمده است. قطعات این آلبوم بر سروده‌هایی از شاعران کهن و معاصر چون سعدی، مولانا، محمد زهری، فریدون مشیری و شیوا الله‌وردی به اجرا درآمده و نوازندگانی چون مجید درخشانی، مرتضی صناعی، وصال صالحیان، کاوه معتمدیان و کامران یعقوبی در آن به هنرنمایی پرداخته‌اند.

آلبوم موسیقی دستگاهی «دل رسوا» به آهنگسازی مجید درخشانی و خوانندگی رحیم عدنانی، توسط شرکت چکاوک زنده رود اپادانا راهی بازار موسیقی شد. علاقه‌مندان می‌توانند نسخه فیزیکی و اورجینال اثر را از مراکز معتبر فروش در بازار موسیقی تهیه کنند.

{فر هنگ و هنر }

گفت و گو با جیمی فورد، نویسنده آمریکایی:

نویسنده‌ها از چیزهایی می‌نویسند که دلتنگ‌شان هستند

کنند، نویسنده‌ها معمولا چنین کاری نمی‌کنند.

یک جورهایی داستم شوخی می‌کردم، این کار کلیشه‌ای است.بیشتر مردم دوست ندارند که هدف پیش قضاوتی قرار بگیرند. اما من می‌خواستم مخاطبانم به من این اجازه را بدهند که بدانم چه در ذهنشان می‌گذرد. مخصوصا در این شبکه اجتماعی یک سری تصویر کوچک داریم که مردم به سرعت از روی‌شان رد می‌شوند. خوشبختانه بنظر می‌رسید که همه از جلد کتاب راضی باشند.

♦ **شما داستان عاشقانه‌ای نوشته‌اید که شخصیت‌های آن واقعا کم سن و سال هستند ،چه چیزی باعث شد بخواهید چنین شخصیت‌های جوانی خلق کنید؟**

من می‌خواستم راجع به مقطعی از زندگی هر انسان بنویسم،که در آن مقطع انسان‌ها از یک کودک معصوم، تبدیل می‌شوند به کسانی که احساس عمیق و قلبی را می‌فهمند و برای اولین بار عاشق می‌شوند. بعضی‌ها وقتی که جوان‌اند این احساس را تجربه می‌کنند و دیگران وقتی که سن‌شان بیشتر می‌شود. من عشق را وقتی برای اولین بار تجربه کردم که خیلی جوان بودم. برخلاف آمریکای امروز که مردم اکثرا بعد از بیست یا سی سالگی ازدواج می‌کنند و بعضی‌هایشان هم کلا ازدواج نمی‌کنند، آن موقع‌ها مردم وقتی خیلی جوان بودند، حدودا در پانزده یا شانزده سالگی، ازدواج می‌کردند. می‌خواستم به عقب برگردم، آن موقع‌ها که مردم معصوم بودند.

♦ **داستان کتاب شما آتقدرها ریتم تندی ندارد ،با این حال برخی مخاطبان معتقدند که شما اطلاعات کافی راجع به شخصیت‌ها**

ارائه نداده‌اید. چه جوابی برای آن‌ها دارید؟

هنگام نوشتن کتاب مدت زمان زیادی را صرف بیان جزئیات تاریخی کردم ،اما از اینکه درباره شخصیت‌ها هم همانقدر زیاد توضیح بدهم پرهیز کردم. در این زمینه یک مقداری کمینه‌گرا هستم. دوست دارم مخاطبانم شخصیت‌هایم را با اعمالشان بشناسند نه چیزهای دیگری مثل مدل مو یا لباس‌هایی که می‌پوشند. عمدا از دادن اطلاعات اضافی پرهیز کردم. به نظرم اگر به مخاطب اجازه بدهیم تا از تخیلش استفاده کند کتاب و شخصیت‌های کتاب برایش جنبه شخصی‌تری پیدا می‌کنند.

♦ **نظر تان راجع به ایران چیست و چه پیامی برای مخاطبان ایرانی خود دارید؟** فکر می‌کنم بیشتر آمریکایی نمی‌دانند که ایران چه تاریخ شگفت انگیز ،فرهنگ بی‌نظیر و میراث فکری و هنری غنی دارد. به‌نظر می‌رسد .

امروز ما در آمریکا شاهد رئیس جمهوری هستیم که سعی می‌کند قدرتش را با استفاده از ترویج نژاد پرستی افزایش دهد، این کار واقعا زشت و ترازیک است. صادقانه بگویم که من هم مانند اکثر مردم آمریکا از حماقت‌های ترامپ شرمسار و بر آشفته‌ام. این افراد از ترس و عداوت بعنوان سلاح استفاده می‌کنند. اما این زیبایی هنر و ادبیات است که مردم را گرد هم می‌آورد. دوستی دارم که متولد تهران است اما حالا در آمریکا زندگی می‌کند. او در ایران خانواده دارد و هر سال به ایران برمی‌گردد و عاشق ایران است.

و البته خودم عاشق کوهنوردی هستم و بعضی از زیباترین کوه‌های جهان در ایران هستند. عاشق این هستم که روزی به ایران سفر کنم.

یادداشتی درباره رمان «ضد خاطرات یک باغ وحش»

عشق، مرگ و تنهایی

لحن و ادبیات راوی متعلق به جوانان امروزی است. از نوع نگاهی که به زبان دارند تا بازی‌های زبانی و جنس شوخی‌ها و لحن‌ها و آمیختگی کلام با واگویه‌های درونی، کم‌حوصلگی‌ها و مکالمه‌های عجولانه روزمره، پاسخ‌های کوتاه از سر رفع تکلیف، خیال‌پردازی‌ها و ذهن‌خوانی‌های هنگام گفت‌وگو، تغییر مسیر حرف‌ها را به سمت دلخواه و همه این‌ها می‌مخاطب را با یک رایوی طنزپرداز آشنا می‌کند. نوعی از راوی که تا پایان رمان، وزن طنزآلودگی روایت را حفظ می‌کند و از تک و تا نمی‌افتد. علاوه بر حفظ ریتم طنز و شوخ‌طبعی ماجرا، در تمام طول داستان با جملات بلند پر از تشبیه و استعاره‌های امروزی قدرت نویسندگی راوی نیز منعکس می‌شود. جملات بلندی که نه کسالت‌آورند و نه از چارچوب قواعد و اصول دستوری خارج می‌شوند. این راوی البته هر جا که لازم باشد، از شوخ‌طبعی دست می‌کشد و گریزی به مسایل روز جامعه نیز می‌زند تا فرزند زمان خویشان هم باشد. از مسئله‌های زیست‌محیطی گرفته تا نقد رسم و رسومات اجتماعی دست و پاگیر.

«خوشه بهارمست» نویسنده‌ای است که درون خود مجموعه مفصلی از حیوانات مختلف را جای داده که هر بار در موقعیت خاصی یکی از آن‌ها سر بیرون می‌آورد و با شیوه خود زمام امور را به دست می‌گیرد. گربه و سگ و ماده‌گِرد و کلاغ و ببر، نه مهمانانی خواسته یا ناخواسته در ذهن راوی که بخش‌هایی از وجود او هستند، تا آن جا که از آدم درونش به همان اندازه یاد می‌کنند که از گِرد و کلاغ درون. حیوانات این باغ وحش نه نمادهایی اسطوره‌ای و دور از دسترس که بخش‌های آشنایی از وجود بشرند، عجین با آدم درون و هم ارزش با آن. این باغ وحش درونی هر جا که نیاز باشد با جزئیات بسیار توصیف می‌شود. زندگی عاطفی راوی هم به موازات زندگی خانوادگی و اجتماعی‌اش و پا به پای دغدغه‌های درونی او حرکت می‌کند. باغ وحش درونی نویسنده همان جایی به هم می‌ریزد که او میان سادگی ذاتی‌اش و رعایت مسایل اخلاقی و عرفی در می‌ماند.

گویي ابهام ناشی از روابط پیچیده انسانی برای حیوانات معصوم درون‌اش زیادی آشفته و مبهم‌اند و این آرامش اهلی درون او را به هم می‌ریزد. سیر درمانی او با خوایی فرویدی تکمیل می‌شود و گویی «خوشه» را الهامی می‌رسد که تنها حامی و نوازشگر واقعی و اصیل هر شخصی خود اوست. «خوشه» در این راه خودش را در آغوش می‌گیرد و پناه می‌دهد. اوج داستان هم آن جاست که راوی درمان شده در حال ترک تیمارستان است در حالی که خود عمیق و واقعی‌اش را پذیرفته است: «و بی‌درنگ و با قدم‌های سریع رفته سمت در و زدم بیرون و انگار می‌کردم قلمم داره از جا کنده می‌شه. انگار می‌کردم تیکه‌های بزرگی، تیکه‌های خیلی بزرگی، از وجودم رو با دست‌های خودم جا گذاشتم توی اون جهنم پر آتیش. جوری که دیگه چیزی از خودم نمونه بود برای بردن. یک آن تصمیمی گرفتم، تصمیمی که باید خیلی پیشترهای می‌گرفتم. سرم رو از لای در کردم تو. همه شون، انگار که یک قسمت از فیلم رو ثابت کرده باشی، توی همون حالتی که ترک‌شون کرده بودم خشک‌شون زده بود. انگار تاکسی‌درمی‌شون کرده بودم اون هم با دست‌های خودم. در حالی که از خودم بدم می‌اومد، صدام رو کمی بلند کردم و گفتم: بزینن بریم رفقا!»



♦ **شما اصالتا اهل آسیا هستید، آیا به شخصیت‌هایی که خلق کرده‌اید احساس نزدیکی می‌کنید؟**

پدر من اهل چین بود و مادرم هم سفید پوست بود. وقتی که پدرم را از دست دادم احساس کردم که دیگر ریشه و میراث آسیایی خودم را از دست داده‌ام. با نوشتن راجع به تاریخ و فرهنگ قاره آسیا نه تنها به شخصیت‌هایم احساس نزدیکی می‌کنم، بلکه احساس می‌کنم به خانواده خودم نزدیک‌تر شده‌ام. این کار باعث شد تا هویت فرهنگی خودم را بشناسم.

♦ **مخاطبان شما حین خواندن آثار تان با مکان‌هایی مثل هتل پاناما و سیاتل رو به رو می‌شوند ،این مکان‌ها چه معنای خاصی برای شما دارند؟**

من در سیاتل بزرگ شدم، اما بیست سال است که دیگر آنجا زندگی نمی‌کنم. به‌نظرم بعضی وقت‌ها نویسنده‌ها از چیزهایی می‌نویسند که دلتنگ‌شان هستند، چیزهایی که خاطرات خاصی را در دل خود نگه می‌دارند. برای من سیاتل یکی از همان چیزها است.نه فقط یک مکان خاص در سیاتل، منظوم تمام ناحیه‌ای است که از آن با نام سیاتل یاد می‌شود.به‌عنوان یک پسر بچه تمام دوران کودکی‌ام را در آنجا گذرانده‌ام. می‌توان گفت هتل پاناما یکی از شخصیت‌های همیشه ساکت کتاب است. این هتل در زمان بچگی‌های من و پدرم آنجا بوده و بعد از ما هم همان جا خواهد ماند.

♦ **در اینستاگرام از مخاطباتان خواستید کتاب‌تان را از روی جلدش قضاوت**

خبرها

جمشید مشایخی هنوز ضعف جسمانی دارد

بخش فرهنگی– فرزند جمشید مشایخی بیان کرد که پدرش این روزها بیشتر استراحت می‌کند چراکه به رغم بهبود حال عمومی، هنوز ضعف جسمانی دارد.

سام مشایخی فرزند جمشید مشایخی بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون، در گفتگو با مهر درباره وضعیت جسمانی پدر خود بیان کرد: خدا را شکر حال پدر بهتر است اما هنوز ضعف جسمانی دارد و این روزها همچنان در حال استراحت است. وی ادامه داد: جمشید مشایخی به گفته پزشکان، باید بتواند بیشتر پیاده‌روی کند و بیشتر بیدار باشد اما روزها بیشتر می‌خوابد و با کمک ما صبح و عصر سعی می‌کند پیاده‌روی داشته باشد.

مشایخی در پایان اظهار کرد: پدر هفته‌ای دو بار هم فیزیوتراپی دارد و سعی می‌کند روند درمانی خود را در منزل ادامه دهد.



گروه «دنگ شو» در کانادا کنسرت می‌دهد

بخش فرهنگی – گروه موسیقی «دنگ شو» اواخر مهر ماه سال جاری تازه ترین کنسرت خود را با اجرای قطعات منتخب در شهر ونکوور کانادا برگزار می کند. به گزارش مهر، گروه موسیقی «دنگ شو» روز جمعه ۲۷ مهر ماه سال جاری تازه ترین کنسرت خود را با اجرای قطعات منتخب در شهر ونکوور کانادا برگزار می کند. بلیت فروش کنسرت پیش رو از هم اکنون آغاز شده و هم وطنان خارج از کشور می توانند به مراجعه به سامانه فروش بلیت این کنسرت، برای تهیه بلیت اقدام کنند.

گروه «دنگ شو» بنا بود تا پایان سال یک آلبوم «ای پی» منتشر کند اما از آنجایی که چهار قطعه جدید در این مدت تهیه و تولید کرده، این اثر در قالب یک آلبوم کامل به مخاطبان ارایه می شود. این آلبوم هم اکنون در مرحله صدور مجوز است که در صورت دریافت مجوزهای لازم، اثر بعد از ایام محرم و صفر در دسترس علاقه مندان قرار می گیرد. البته آلبوم دیگری از این گروه با نام «شیراز...» مدتی است آماده شده و طی ماه های آینده توسط انتشارات «رهگذر هفت اقلیم» منتشر می شود. «هدونای» آلبوم جدید گروه «دنگ شو» شامل ۱۰ قطعه به نام های «باد گناهکار»، «خطا کردم»، «خطا نیست»، «عطار»، «چیژی»، «به شط»، «خلیج»، «حباب»، «خورشید می شوم» و «آخر قصه...» بود که شهریور ماه سال ۹۶ در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت.



«ترس» در روز نخست بیش از ۷۵۰ هزار نسخه فروخت

بخش فرهنگی– تصویر گزارشگر کهنه‌کار واشینگتن‌پست از کاخ سفید ترامپ به چاپ نهم رسید تا نمایان‌گر تقاضای خارق‌العاده خوانندگان در امریکا باشد.

به گزارش گاردین – شاید دونالد ترامپ کتاب «ترس» باب وودوارد را به اسم «شوخی» نادیده گرفته باشد، اما خواننده‌ها با خرید بیش از ۷۵۰ هزار نسخه در تنها یک روز عکس آن را نشان دادند. «ترس» در ۱۱ سپتامبر منتشر شد. سایمون اند شوستر، ناشر این کتاب اعلام کرد که در اولین روز فروش بیش از ۷۵۰ هزار نسخه از کتاب را در امریکا فروخته است. ناشر حالا چاپ نهم را سفارش داده که با احتساب آن تعداد نسخه‌های این کتاب جلد گالینگوری به یک میلیون و ۱۵۰ هزار عدد می‌رسد. جاناتان کاپ، مدیر انتشارات سایمون اند شوستر گفت: «ترس باب وودوارد با قدرت یک پدیده فرهنگی در مقادیر استثنایی و به صورت جلد سخت، کتاب الکترونیک و نسخه صوتی در حال فروش است. بر اساس پیش‌نشر گسترده و علاقه‌ی جاری، خوانندگان به وضوح اشتیاق فراوانی به آنچه ما معتقدیم دارند، آن‌گونه که وودوارد می‌گوید این یک نقطه عطف در تاریخ است.»

کتیافروشی زنجیره‌ای بارنز اند نوبل ایالات متحده گفت که تحقیقات گزارشگر سابقه، وودوارد، که پیش از این داستان رسوایی واترگیت با کارل برنشتاین، همکاری در واشینگتن پست را رسانه‌ای کرده بود، سریع‌ترین میزان فروش کتاب بزرگسالان را بعد از «برو دیده‌بانی بگمار» هارپر لی در سال ۲۰۱۴ داشته است. «ترس فروش روز اولی شگفت‌انگیزی داشت و تقاضای بالایی در فروشگاه‌های ما و به صورت آنلاین داشته است. در سه سال گذشته هیچگاه شاهد فروش یک عنوان برای بزرگسالان به این سرعت نبودیم.» «ترس» که بر اساس صدها ساعت مصاحبه تهیه شده، کاخ سفید را در هرج و مرج نشان می‌دهد. دونالد ترامپ روز دوشنبه در توئیتر خود نوشت: «باز هم یک حمله دیگر علیه من، سیلی از حملات، با استفاده از منابع نامشخص و ناشناس، بسیاری تا همین الان گفته‌اند که نقل قول‌هایی که از آنها آمده، مثل خود کتاب، داستان است. دموکرات‌ها نمی‌توانند باخت را تحمل کنند. خودم کتاب واقعی را می‌نویسم!»